

ای اورشلیم!

اشعیا ۶۲، ۶- ۱۳



6 ای اورشلیم دیده‌بانان بر حصارهای تو گماشته‌ام که هر روز و هر شب همیشه سکوت نخواهند کرد. ای متذکران خداوند خاموش مباشید 7! او را آرامی ندهید تا اورشلیم را استوار کرده، آن را در جهان محلّ تسبیح بسازد 8. خداوند به دست راست خود و به بازوی قوی خویش قسم خورده، گفته است که بار دیگر غلّه تو را ماکول دشمنانت نسازم و غریبان، شراب تو را که برایش زحمت کشیده‌ای نخواهند نوشید 9. بلکه آنانی که آن را می‌چینند آن را خورده، خداوند را تسبیح خواهند نمود و آنانی که آن را جمع می‌کنند، آن را در صحنهای قدس من خواهند نوشید 10. بگذرید از دروازه‌ها بگذرید. طریق قوم را مهیا سازید و شاهراه را بلند کرده، مرتفع سازید و سنگها را برچیده غلّم را به جهت قوم‌ها برپا نمایید 11. اینک خداوند تا اقصای زمین اعلان کرده است، پس به دختر صهیون بگویند اینک نجات تو می‌آید. همانا اجرت او همراهش و مکافات او پیش رویش می‌باشد 12. و ایشان را به قوم مقدّس و فدیّه شدگان خداوند مسمی خواهند ساخت و تو به مطلوب و شهر غیر متروک نامیده خواهی شد.

اورشلیم! ساعت 6 صبح فراخوانی از مسجد معروف العقیظه شنیده می‌شود. ما در یک خوابگاه جوانان کوچک در شهر قدیمی نشسته ایم. در حال حاضر شهر به گوش و به بینی و کل اعضای بدن نفوذ می‌کند. اورشلیم! شهر مقدس اورشلیم شهر صلح! اورشلیم شهر که در آن رستگاری جهان از طریق عیسی مسیح به ما رسید. اما هیچ چیز از آن نجات امروز برای دیدن وجود ندارد. چیزی که من تصور می‌کردم مثل این است که یک میله فلزی از پشت به من فشار وارد می‌کند و همزمان مقداری گوجه فرنگی فاسد جلوی پای من ریخته شده و در این زمان یک فروشنده من را مجبور می‌کند که یک عروسک بنجل از چین را بخرم. بله اورشلیم هست و باقی مانده و من یک احساسی دارم که با هیچ کلمه ای نمی‌توانم آنرا توصیف کنم. پیامبر اشعیا با دیدگاه نبوی دقیقاً این شهر را در نظر داشت. و آنچه که او دید، او را تا به استخوان به ترس رسانید. او دید که اورشلیم به طور کامل نابود شد. معبد، که در آن فرمان مقدس خدا نگهداری شد، به خاک افتاده بود. 10 فرمان به خاکستر تبدیل شد. دلیل این تخریب خدا نیست که فرزندانش را شکنجه کند. دلیل این تخریب نهفته در مردم است. مردم در اورشلیم درست در مقابل معبد مقدس زندگی می‌کردند و فرمان خدا را با دقت می‌دانستند. با این حال، آنها ترجیح دادند که به دنبال خواست و اراده خود باشند. آنها می‌خواستند به جای گوش دادن به خدا، به ندای قلبشان گوش دهند. حتی زمانی که عیسی در میان آنها آمد و کلمه خدا را در همه وضوح تفسیر کرد. حتی زمانی که عیسی در میان آنها کارهای بزرگی انجام داد. حتی زمانی که عیسی از مردگان برخاست و در مقابل تمام جهان نشان داد که خدا بر گناه، مرگ و شیطان پیروز است... حتی بعد از آن در راه خود باقی مانده و نمی‌خواستند چیزی از خدا بدانند. نتیجه ترسناک است. عواقب آن امروز هم در اورشلیم دیده می‌شود. یک شهر که کل جهان بر سرش جنگ می‌کنند و هیچ چیزی در مورد صلح با خدا را درک نمی‌کند. وقتی در خیابان های اورشلیم قدم زد، فکر کردم که اورشلیم بیش از یک شهردیکه است. چون در آن آورده مقدس خدای آشکار شد. و به همین دلیل است که امروز اورشلیم فقط در اسرائیل نیست، بلکه در همه جای دنیا که در آن کلام خداوند موعظه می‌شود و مردم توبه می‌کنند و صلح ابدی را به دست می‌آورند. اورشلیم شما و اورشلیم من جایی است که شما و من تعمید می‌گیرید. اورشلیم شما و اورشلیم من جایی است که بدن و خون عیسی مسیح را دریافت می‌کنیم. اورشلیم شما و اورشلیم من جایی است که کلام خدا را می‌شنویم و او را درک می‌کنیم. به این ترتیب مهم است که ما هشدار کلمات اشعیا را درک کنیم. چه اتفاقی می‌افتد اگر ما در پیش خدا قرار بگیریم و سپس او را رد کنیم؟ چه اتفاقی می‌افتد وقتی که ما از خدا دور می‌شویم؟ یا شاید حتی می‌خواستیم فقط از خدا برای اهداف خود سوءاستفاده کنیم و به هر حال فقط می‌خواستیم اراده خود را دنبال کنیم؟ ما این را در مثال اورشلیم می‌بینیم. تمام خوبی ها و زیبایی هایی که خداوند طی هزاران سال به آنها داده است، می‌تواند در یک زمان کاملاً نابود شود. نه به این دلیل که خدا مردم را شکست داده است. نه، بالعکس! از آنجا که مردم خدا را ترک کرده اند اشعیا پیامبر نابودی اورشلیم را دید. اما او

فقط این را ندید. چشمان او بیشتر دیدند. و سپس او دورتر از زمان تخریب را دید که شهر قدیمی را دوباره به رسمیت می شناسند. شهری که طبق اراده خداست. اورشلیم، شهر صلح! و اشعیا در آن شهر نگهبان مراقب را دید این نگهبانان با سلاح های سنگین نایستاده بودند! نه آنها دعا می کردند، آنها خدا را عبادت می کردند و خواستار نجات مردم بودند! چه تصویری! در وسط نابودی! در میان ناامیدی، نمازشان هرگز متوقف نمی شد. اگر شما به عنوان یک کودک از خدا هستید، اگر شما تعمیر و هنگامی که کلام خدا بر شما به عنوان ایمانتان خوانده می شود، شما يك نگهبان دعا محسوب می شوید و وظیفه شما این است که دعا کنید دعا برای بسیاری از مردم که ایمان را ترک کرده اند! دعا برای کسانی که هرگز کلام خدا را نشنیده اند. یا شاید هرگز کسی برای آنها توضیح نداده باشد. اشعیا علاوه بر این نگهبانان دعا، چیز دیگری را هم دید: در آن دوران او می بیند که خدا خودش می آید! و یک جاده وسیع تخت آماده شده است. خداوند راه خود را برای ما بدون موانع پیدا خواهد کرد. خدا نزدیک خواهد شد. ما قادر خواهیم بود با او صحبت کنیم. او اشک های ما را از چشمانمان پاک می کند. و از همه ملت ها، بروی پاهای او خواهیم نشست. این اتفاق نخواهد افتاد چرا که ما انسان ها آن را به دست آورده اند، اما چون عشق خدا بیشتر از اشتباهات ما است. همچنین وفاداری خداوند نسبت به همه خیانت های ما بیشتر است. وقتی امروز به اورشلیم نگاه می کنم، متوجه می شوم که ما هنوز به لحظه رستگاری نرسیده ایم. نشانه خدا از پیروزی بر گناه، مرگ و شیطان، صلیب عیسی است! اما همان صلیب توسط مردم در اورشلیم مورد ستم قرار گرفته و یا تبعید شده. در آلمان نیز به نظر می آید که خیلی از انسانها در مسیر نادرست حرکت می کنند. ما مردم را نمی بینیم که به سمت کلیسا بیایند و توبه کنند. در عوض، ما بیشتر و بیشتر می بینیم که مردم کلیسا را ترک کنند. با این وجود خداوند به ما نشان می دهد که او در راه است. مردم از همه ملت ها به سمت ما می آیند و می خواهند تعمیر بگیرند در اینجا و آنجا افرادی نیز راه خود را به سوی خدا بر می گردانند که ما باور داشتیم که دیگر به کلام خدا باز نمی گردند. و هر بار که توبه می کنند یا هنگامی که کسی تعمیر می شود، معجزه خداست. همچنین جمع شدن در کلیسا امروزه معجزه خداست. از آنجا که ما اینجا هستیم، می دانیم که خدا ما را به عنوان نگهبان شهر ما استخدام کرده است. ما مجاز به دعا هستیم دعا برای بسیاری از مردم در محیط ما. دعا برای غیر مسیحیان حتی برای کسانی که از ما نفرت دارند ما مجاز به انجام کمک هستیم. در اطراف ما بسیار کسانی هستند که در کلیسا بودند. در آنجا می توانیم سالمندان، بیماران و تنهایی را ببینیم. ما می توانیم آنها را در نیازهای مختلف حمایت کنیم. ما می توانیم با خرید برای يك انسان پیر و ضعیف به او کمکی کرده باشیم. بچه های کوچکی که از آغاز با بدی شروع به زندگی می کنند وجود دارد که ما می توانیم با آغوش باز و دلی پر از محبت از آنها استقبال کنیم. حتی افرادی که عجیب و غریب هستند و زبان ما را درک نمی کنند ما مجاز هستیم با آنها با عشق خدایی بر خورد کنیم. راه گسترده ای که خداوند در اورشلیم پیدا می کند، عشق است. سنگ در این مسیر نفرت، بی تفاوتی، تسلیم سرنوشت شدن و ترس است. ما مسیحیان به عنوان محافظان وفادار شهر در خیابان ها مجاز هستند تمام این سنگ ها را پاک کنیم. ما لزوماً راه رسیدن به معجزات نیستیم. حتی کوچکترین سنگ می تواند ما را به موفقیت می برساند و اگر تعداد زیادی از دست ها، هر يك مانع کوچک را کنار بگذارند، کل خیابان به زودی آزاد خواهد شد. و خیلی سریعتر از آنچه تصور می کنیم. ما این کار را انجام می دهیم زیرا خداوند می آید اشعیا آن را پیش بینی کرد. خدا وعده خود را تحقق می بخشد و در زندگی روزمره مان، گاهی اوقات شگفت زده می شویم که خدا به سادگی چگونه موانع را از بین می برد. ما خیلی بیشتر شگفت زده خواهیم شد. برای صلح خود، که بالاتر از همه عقل هاست، قلب و ذهن ما با عیسی مسیح را محافظت خواهد شد. آمین.